«ایران» از شکست پروژه ضدملی اپوزیسیون و دنباله داخلی آن گزارش می‌دهد

چرا از «خوشحالی مردم» ناراحت شدند؟

گروه سیاسی/ تیم ملی فوتبال ایران جمعه گذشته در چهارچوب بازی‌های جام جهانی ۲۰۲۲ قطر با پیروزی قاطع در برابر ولز فریادهای خوشحالی و همدلی ایرانیان را در سراسر کشور آزاد کرد، اما عصبانیت فارسی‌زبانان ضدایرانی را هم به‌صراحت به نمایش گذاشت. جریان اپوزیسیون که تلاش داشت با جنایت ورزشی و سیاسی‌کاری افراطی ابتدا مانع حضور تیم ملی کشورمان در جام جهانی شده و حتی درخواست حذف ایران را به فیفا داده بودند، پس از شکست در این پروژه سعی کردند بین تیم ملی و مردم فاصله بیندازند. در این پروژه اما تعدادی از اهالی رسانه در داخل کشور بی‌آنکه تبعات سخت حمایت از چنین اقدام ضدمیهنی را بفهمند، طوطی‌وار از تحریم تیم ملی یا کنایه به بازیکنان و دوگانه‌سازی سخن گفتند. برخی دیگر اما در رسانه‌های رسمی خود به این موضوع دامن زدند و پروژه ضدمیهنی اپوزیسیون را امیدوار کردند.

■ کارگزار مردم یا...؟

به عنوان نمونه روزنامه سازندگی ارگان حزب «کارگزاران سازندگی» با انتشار تصویری قهرمان‌گونه از علی دایی و انتخاب تیتر «غمخوار مردم» به عدم حضور وی در دوحه ضریب داد و این اقدام وی را ستود. اقدامی که همان موقع به عنوان رویارویی برخی بازیکنان اسبق تیم ملی با بازیکنان حاضر در جام جهانی قطر تلقی می‌شد. این روزنامه روز گذشته نیز پس از بازی شایسته و تاریخی و به‌دست آمدن پیروزی در برابر ولز تیتر «شادی پر از بغض» را با پس‌زمینه‌ای مشکی‌رنگ منتشر کرد تا این پیروزی را تلخ و سیاه جلوه دهد. روزنامه اعتماد هم در یادداشتی با عنوان «استفاده ابزاری از شادی مردم ممنوع» مدعی شد جمعیت انبوهی که برای شادی به خیابان‌ها آمدند، ناراحت بودند! نویسنده در این مطلب با اشاره به آنکه برای دیدن حضور مردم به خیابان‌های تهران رفته، نوشته است: «وقتی به صورت برخی هموطنان نگاه می‌کردم، واضح بود در کنار شادی ناشی از برد تیم ملی فوتبال، یک غم پنهان نیز در این چهره‌ها خانه کرده است.»

عباس عبدی از چهره‌های تندروی اصلاح‌طلبان هم در حساب توئیتر خود با این ادعا که برخی می‌خواهند پیروزی مردم را پوششی برای فراموشی «کشته شدن هموطنان» قرار دهند به نیروهای هم‌طیف خود نیز حمله کرد و نوشت: «در بی‌تجربگی برخی همین بس که فرصت را تبدیل به تهدید کردند. نابخردتر آنکه فرصت جدید را به تهدید تبدیل می‌کند.»

این جملات نیز نشان از عصبانیت برخی فعالان اصلاح‌طلب از روحیه واقعی مردم دارد که ساعت‌ها خیابان‌های شهرهای مختلف را محل جشن و شادمانی کرده بودند. این مسأله یعنی خروش شوق و غیرت ایرانی در پارادایم فکری برخی نیروهای سیاسی با زیست مجازی که عموم مردم را افسرده، عصبانی و خشمگین تصور کرده که از شریعت و ملیت دست شسته‌اند، قابل قبول نبوده است.

■ تا مغز استخوان پر از نفرت و کینه!

رسانه‌های بیگانه ضدنظام البته با صراحت بیشتری به تیم ملی و پیروزی ایران واکنش نشان دادند. به‌عنوان نمونه شبکه سعودی ایران اینترنشنال که پس از بازی ایران و انگلیس، نتیجه به دست آمده را به دلیل عدم حمایت مردم معرفی می‌کرد، در زمان پیروزی تیم ملی در برابر ولز به تندی به تیم ملی حمله کرد و از خوشحالی آنها انتقاد کرد. تحلیلگر این شبکه هم روی آنتن آمده و با عصبانیت گفت: «به تیم ملی تبریک نمی‌گویم. حتی نمی‌توانم خسته نباشید بگویم به بازیکنان تیم ملی. من به هیچ‌وجه بازی ایران را نمی‌بینم یعنی می‌بینم اما فقط به این دلیل که ببینم چه عکس‌العملی نشان می‌دهند!» خبرنگاران این شبکه‌ها نیز با انتشار تصاویر زنان و مردان هوادار تیم ملی و شادمانی آنها به پمپاژ نفرت پرداخته و خواهان شناسایی آنها شدند.

اکنون صحنه‌آرایی موجود این سؤال را ایجاد می‌کند که چرا گروه‌های ضدانقلاب و برخی دنباله‌روان آنها در داخل این‌گونه از خوشحالی و سرور مردم عصبانی هستند. «ایران» در ادامه با اختصار به این مسأله می‌پردازد.

■ هویت‌زدایی از ایران و ایرانی

رخدادهای دو ماه اخیر نشان داده است که دو هدف اساسی از سوی پشتیبانان میدانی و رسانه‌ای این حوادث سرلوحه اقدام قرار گرفته است. این اقدامات صریحاً دو مؤلفه اصلی هویت انسان ایرانی یعنی ملیت و اسلامیت را هدف گرفته است. ایرانیان همواره هویت دینی و ملی را در کنار یکدیگر داشته و با هر آنچه به این دو پایه هویتی حمله‌ور شده، مقابله کرده و واکنش نشان داده‌اند. به طوری‌که انقلاب اسلامی از یک منظر واکنشی به نادیده گرفتن قسمتی از هویت ایرانی یعنی اسلامیت در پرتو ناسیونالیسم افراطی پیگیری شده در دوران پهلوی تلقی می‌شود. زیرکی و هوشمندی ایرانیان باعث شده است که در برابر آنچه تلاش دارد «هویت ایرانی را تغییر دهد» یا «اسلامیت و ایرانیت را از یکدیگر تفکیک کند» یا حتی «اسباب تخریب یکی از آنها را فراهم کند»، واکنش نشان دهد و اتفاقات اخیر نیز از این امر مستثنی نبوده است.

در ابتدای آشوب‌ها حمله به نمادها و اماکن مذهبی و دینی خود را در شهرهای مختلف نشان داد. آتش زدن قرآن، توهین به اهل بیت، حمله به موکب‌های عزاداری، آتش زدن مسجد و امامزاده و چادر کشیدن از سر زن مسلمان از واضح‌ترین این اقدامات بود. این اتفاقات به دلیل تقابل جدی با اعتقادات مردم باعث شد تا به سرعت از تعداد کسانی که خیابان را برای اعتراض انتخاب کرده بودند کاسته شده و تنها عده‌ای معدود در میدان خرابکاری حضور داشته باشند. حضور مردم در مراسم تشییع شهدای مدافع امنیت در هفته‌های اخیر و دیگر مراسمات مذهبی به‌خوبی نشان داد مردم اجازه بازی با خطوط فکری و اعتقادی خود را نمی‌دهند.

■ حمله به وحدت ملی

اما حمله به نمادها و تمثال‌های ملی نیز قابل تأمل است و شاید بتوان گفت برای اولین بار در دهه‌های اخیر ملیت و هویت ایرانی نیز در معرض تعرض قرار گرفته و پروژه تقابل ایجاد کردن بین ایران و اسلام به حاشیه رفته است. برافراشته شدن پرچم‌های گوناگون در برخی اجتماعات داخلی و تمام اجتماعات ضدایرانی خارجی نمودی واضح از این مسأله است. پرچم‌های مختلف گروهک‌های ضدایرانی و تجزیه‌طلب و همچنین جایگزین شدن پرچم‌های جعلی دیگر در کنار آتش زدن پرچم رسمی کشور که «مای ایرانی» را مخدوش می‌کند تخریب بخشی از هویت ایرانی محسوب می‌شود.

تبلیغ برای عدم خرسندی از پیروزی تیم ملی نیز در همین چهارچوب قرار می‌گیرد. در حالی‌که در تمام کشورهای دنیا در موضوعات ملی مانند پیروزی تیم ملی کشورها در مسابقات جهانی مردم یک‌صدا و فارغ از اختلافات سیاسی به مصاف رقبای خود می‌روند، جریان ضدایرانی به این بخش از فرهنگ جاری نیز دست‌درازی کرده و تلاش داشته تا با حمله به اذهان و مغزها غیرت ملی را در کنار غیرت دینی مورد تهاجم قرار دهد.

سرازیر شدن مردم به خیابان‌ها با ظواهر کاملاً متفاوت همراه با پرچم ملی پس از پیروزی تیم ملی از همین رو برای کسانی که پروژه ضدهویتی اخیر را پیگیری می‌کردند، عصبانی‌کننده است و باید راز حمله به بازیکنان تیم ملی به بهانه شادمانی کردن را در همین مسأله جست‌وجو کرد.

دشمنان این‌بار مقابله با جمهوری اسلامی ایران را به صحنه مقابله با موجودیت ایران و هویت ملی کشانده‌اند و تلاش دارند تا با این اقدام به خیال خود اهدافشان را محقق کرده و ایران را از هویت عمیق تاریخی و فرهنگی خود دور کنند؛ مسأله‌ای که در قالب جنگ ترکیبی به ملتی تحمیل شد که از ۴ دهه پیش از آن، از هر یک از جنگ‌های سخت، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی سربلند بیرون آمده است.

ایرنا

«ایران» از چند و چون مواضع ضد ایرانی رئیس جمهور جمهوری آذربایجان گزارش می‌دهد

ضرورت هوشیاری «الهام علی‌اف» درباره نسخه غرب در قفقاز

گروه سیاسی/ «ایران ظرف چند ماه دو رزمایش نظامی در مرز ما برگزار کرده است. بنابراین ما مجبور به برگزاری رزمایش نظامی شدیم تا نشان دهیم از کسی نمی‌ترسیم. در ایران مدارسی وجود دارد که در آن زبان ارمنی تدریس می‌شود اما زبان آذربایجانی نه». این سطور بخشی از موضعگیری اخیر «الهام علی‌اف»، رئیس جمهور جمهوری آذربایجان است که اخیراً در قبال ایران مطرح کرده است. اگرچه این مواضع ادعایی به بهانه برگزاری رزمایش‌های نظامی مرزی ایران مطرح شده اما در امتداد دیگر سخنان ضد ایرانی بود که طی ماه‌های اخیر ایراد شده است. نگاهی به سخنان ادعایی روزها و هفته‌های اخیر «الهام علی‌اف» از جمله این ادعای او که «دولت آذربایجان توجه ویژه‌ای به حمایت از حقوق، آزادی‌ها و امنیت آذربایجانی‌های مقیم خارج از کشور دارد»، نشان می‌دهد مقام‌های باکو در تب آرزویی می‌سوزند که برداشتن تنها یک قدم عینی برای تحقق آن می‌تواند خود این رژیم را به سوختن دهد.

■ سناریوی خطرناک

رزمایش‌های نظامی ایران در مرزهای شمالی کشورمان در حالی به بهانه حملات لفظی رئیس جمهور آذربایجان علیه ایران تبدیل شده که او در هفته‌های اخیر در حال نوشتن دیکته‌ای است که شماری از همپیمانان منطقه‌ای‌اش از جمله رژیم صهیونیستی آن را قرائت می‌کنند. تحرکاتی در مرزهای شمال غربی ایران از سوی جمهوری آذربایجان آغاز شده بود که به نظر می‌رسد هدف تغییر عمده در مرز میان ایران و ارمنستان را دنبال می‌کند؛ چنان که نوار مرزی شامل راه ارتباطی میان کشورمان و ارمنستان قطع شود و با ضمیمه شدن خاک این قسمت از نوار مرزی به جمهوری باکو، این جمهوری با ترکیه هم‌مرز شود. این اقدام باکو خلاف آتش‌بس ۹ نوامبر ۲۰۲۰ با ارمنستان است که با اقدامات اخیر خود عملاً آن را زیر پا گذاشته است. به اجرا درآمدن این سناریو با هشدار مقام‌های عالی‌رتبه کشورمان روبه‌رو شد که بر لزوم حفظ راه ارتباطی ایران و ارمنستان تأکید می‌کردند. در پی این هشدارها نیز دو رزمایش نظامی از سوی کشورمان در مرزهای شمال غربی برگزار شد که عملاً نشان داد مقام‌های کشور در واکنش به این اقدامات مشکوک تنها به موضعگیری دیپلماتیک اکتفا نکرده و نخواهند کرد.

■ بازی باکو در کدام زمین؟

درمورد مواضع اخیر «الهام علی‌اف» که در واکنش به این رزمایش مطرح و آغازگر مجموعه حملات رسانه‌ای و سیاسی مقامات این رژیم به جمهوری اسلامی ایران شد، حرف و نکته زیاد است؛ مانند عهدشکنی جمهوری آذربایجان در قبال عهدنامه مرزی پس از مناقشه ۲۰۲۰ و اینکه باکو در مسیر محقق کردن اهداف بلندپروازانه خود، رژیم صهیونیستی را به عنوان یکی از شرکای اصلی خود برگزیده و آنها هم متقابلاً این همکاری را فرصت خوبی برای حضور در نزدیکی مرزهای ایران و انجام اقدامات ضد امنیتی علیه آن ارزیابی کرده‌اند. اما نکته قابل تأمل‌تر این است که آیا مقام‌های آذربایجان تعمداً بر روند مسالمت‌آمیزی که ایران در قبال همسایه‌های خود در پیش گرفته خطی از فراموشی نقش کرده‌اند یا ناآگاهانه در بازی بازیگرانی قرار گرفته‌اند که هدف نخست‌شان به خطر انداختن امنیت و منافع ملی دو همسایه است؟

■ فراموشی رفتار اصولی ایران از سوی باکو

اگرچه اقدامات اخیر باکو از همسویی با تل‌آویو گرفته تا تبدیل شدن به کانون استقرار تروریست‌های تکفیری، گزاره نخست را تقویت می‌کند اما پاسخ درست نزد خودشان یافت می‌شود.

سؤال دیگر اینکه ایرانی که به‌رغم جبهه‌بندی‌های موجود شماری از کشورهای منطقه خاورمیانه، همچنان بر رویکرد سیاست مسالمت‌آمیز منطقه‌ای و همسایگی‌اش وفادار مانده و حتی در کوتاه مدت سبب بازگشت کشورهایی همچون امارات به سمت خود شده است، چگونه می‌تواند به تهدیدی علیه همسایه‌های شمالی خود که همواره رویکرد مسالمت‌آمیزی در قبال آنها داشته است، تبدیل شود؟ آیا کشوری غیر از ایران بود که در بحبوحه مناقشه سال گذشته باکو و ایروان بر سر قره‌باغ همه توش و توان خود را برای ایفای نقش یک میانجی بی‌طرف گذاشت و وقتی جمهوری آذربایجان در جریان درگیری‌های نظامی ۴۴ روزه پاییز سال ۱۴۰۰، توانست سرزمین‌های خود در قره‌باغ را که نزدیک به ۳۰ سال تحت سیطره نیروهای ارمنستان قرار گرفته بود، بازپس گیرد، مالکیت این کشور را بر این سرزمین‌ها به رسمیت شناخت؟ کافی است کمی به عقب‌تر برویم تا مقام‌های باکو به خاطر بیاورند این جمهوری اسلامی ایران بود که در آغاز بحران در اولین سال‌های دهه ۹۰ میلادی قرن گذشته با تمام توان برای جلوگیری از پیشروی‌های ارتش ارمنستان و تهدید باکو به کمک این کشور شتافت و از هزاران آواره آذربایجانی این جنگ حمایت کرد و در ادامه یک دیپلماسی فعال را برای خاتمه بحران در دستور کار قرار داد.

■ ضرورت نگاه دیگر

اینها و موارد مشابه بسیاری که کسانی همچون «الهام علی‌اف» باید به خاطر داشته باشند، نشان می‌دهد که چرا او باید رزمایش‌های اخیر ایران در مرزهای خود را با عینک دیگری نگاه کند. مخالفت با عدم تغییر موقعیت کنونی مرزها که در هفته‌ها و ماه‌های اخیر از سوی عالیرتبه‌ترین مقام جمهوری اسلامی ایران مطرح شده است به معنای آن نبود که دولتمردان ایرانی در رویارویی با اقدامات مشکوکی که خدشه منافع ملی و سرزمینی کشورمان را هدف قرار داده، تنها به موضعگیری از پشت تریبون اکتفا می‌کنند. اگرچه آنها در روند حل و فصل اختلافات جاری از رویکرد دیپلماتیک غافل نیستند اما با برگزاری دو رزمایش مقتدرانه نشان داده‌اند که نیروهای نظامی کشور شامل ارتش و سپاه، بیش از هر وقت دیگری کارآزموده و مجهز به تسلیحات پیشرفته هستند چنان که به عنوان قدرت اول نظامی منطقه آماده پاسخ سریع به کمترین اقدامی علیه امنیت ملی خود هستند. قدرتی که علاوه بر توان بازدارندگی، امکان برخورد قاطعانه با تهدیدات را هم دارد. این همان واقعیتی است که مقام‌های آذربایجانی نباید در بحبوحه تنش دیپلماتیکی که با موضعگیری‌های خود علیه ایران رقم زده‌اند، فراموش کنند. اقدامات سرزمینی ناقض تعهدات مرزی و طرح سخنان غیرسازنده و خطرناک همچون این حرف «الهام علی‌اف» که مدعی شده «هموطنان ما با سرنوشت تلخ از کشور آذربایجان جدا شده‌اند»، می‌تواند در کمترین زمان ممکن با رویارویی قدرتمند نیروهای نظامی ایران روبه‌رو شود که نشان داده در زمان مقتضی وارد عمل خواهند شد و هر توطئه‌ای را در نطفه خفه خواهند کرد.

■ مسیر خطای «زلنسکی» شدن

واقعیت دیگری که رئیس جمهور آذربایجان نباید از نظر دور بدارد، بحرانی است که ماه‌ها پیش تحت سیاست تحریک‌کننده جبهه غرب سبب آغاز بحران میان روسیه و اوکراین شده است. در این بحران، کشورهای غربی به روال همیشه می‌کوشند تا گام آغازین برای جنگ را طرف مقابل بردارد، چنان که «ولودیمیر زلنسکی»، رئیس جمهور جوان و بی‌تجربه اوکراین را به درگیری بیشتر با روسیه ترغیب کردند.

نگاهی به صحنه تحولات قفقاز نشان می‌دهد که احتمال پیگیری سناریوی مشابهی برای «الهام علی‌اف» از سوی بازیگران غربی و صهیونیستی وجود دارد؛ سناریویی که بر مبنای آن از طریق باکو و تحریک آن، ایران را درگیر یک مناقشه مرزی با جمهوری آذربایجان کند و به این ترتیب آغازگر یک بحران در قفقاز شود که تنها منافع غرب را تأمین کند.

بنابراین «الهام علی‌اف» باید هوشیار باشد و براساس نسخه‌های خانمان‌سوز غربی در قبال همسایگان خود رفتار نکند؛ آنچه به صلاح همگان است، تقویت مناسبات و ارتقای همکاری‌ها است. دولت سیزدهم نیز ضمن پایبندی کامل به تحقق امنیت برای ایرانیان، دست دوستی خود را به سمت کشورهای همسایه دراز کرده و مطابق آنچه همواره اعلام داشته، آماده ارتقای سطح مناسبات با کلیه همسایگان خود است.

این همان نکته‌ای است که علی‌اکبر ولایتی مشاور رهبر معظم انقلاب در امور بین‌الملل هفته گذشته طی یادداشتی به آن اشاره کرد. ولایتی در آن یادداشت در عین حالی که گفته بود «ایران بنا ندارد که به هیچ کشور همسایه چه در قفقاز، چه نقاط دیگر بخصوص همسایگان خود کوچک‌ترین تعرضی داشته باشد، بویژه مردم هم‌جنس، هم‌نژاد، هم‌زبان، هم‌دین، هم‌مذهب، هم‌سنت و هم‌تاریخ ما یعنی مردم جمهوری آذربایجان نور چشم ما هستند»، در عین حال تصریح کرد که «اگر قرار باشد کسی از شش کشور منطقه بخواهد با بَرهَم زدن مرزها، امنیت را در شمال غرب ایران بر هم بزند، قطعاً با آن مخالفت می‌کنیم و جلوی او خواهیم ایستاد.»

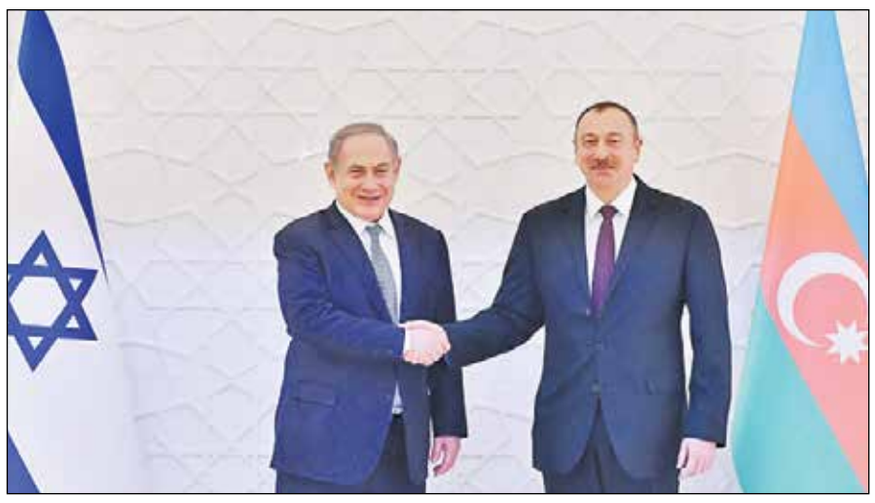

دیگه چه خبر؟

دستور اژه‌ای برای ارفاق به برخی از زندانیان

» خبر اول اینکه، رئیس قوه قضائیه به مراجع ذیربط قضایی برای بهره‌مندی زندانیان از ارفاقات قانونی و بازگشت آنان به آغوش گرم خانواده دستور ویژه صادر کرد.

به گزارش مرکز رسانه قوه قضائیه، در پی پیروزی شورانگیز و بازی غیرتمندانه ملی‌پوشان فوتبال کشورمان در برابر تیم ولز و شعف و شادمانی پدید آمده در سراسر ایران اسلامی و تجلی و تبلور روح جمعی و اتحاد و همبستگی ملی، حجت‌الاسلام والمسلمین محسنی اژه‌ای رئیس قوه قضائیه به مراجع و مراکز ذیربط قضایی دستور داد به شکرانه عنایت پروردگار و مسرت و سرور ملی حاصل از ظفرمندی تیم ملی فوتبال جمهوری اسلامی ایران، نسبت به آن دسته از زندانیان که شرایط بهره‌مندی از ارفاقات قانونی را دارا می‌باشند، نهایت مساعدت و معاضدت انجام گیرد و مقدمات آزادی و بازگشت آنها به آغوش گرم خانواده‌های‌شان در اولین فرصت ممکن فراهم شود.

البته در دستور رئیس دستگاه قضا تصریح شده که بدیهی است کسانی که در قضایای اخیر مرتکب جنایت شده و مدافعان امنیت مردم را شهید و مجروح کردند و اموال مردم را به آتش کشیدند و قرآن را سوزاندند، قابل اغماض و بخشش نیستند و تأکید ما این است که برای عناصر و مسببان اصلی اغتشاشات اخیر، هیچ جای ارفاق وجود ندارد.

آلمانی‌ها جدیدترین دشمنان تیم ملی

» خبر دیگر اینکه، پس از ناکامی رسانه‌های رژیم صهیونیستی و دیگر رسانه‌های ضدایرانی در گرفتن مصاحبه‌های حاشیه‌ساز و فضاسازی، پیش و پس از بازی‌های تیم ملی ایران در جام جهانی، گویا رسانه‌های آلمانی حاضر شده‌اند نقش پادویی را برای این رسانه‌ها ایفا کنند. در مصاحبه‌های کارلوس کی‌روش سرمربی و سیدحسین حسینی دروازه‌بان تیم ملی در حاشیه بازی با ولز، خبرنگاران برخی رسانه‌های آلمانی تلاش کردند با طرح سؤالات حاشیه‌ای و فرعی، سمت و سوی غیرفوتبالی و سیاسی به این گفت‌وگوهای خبری بدهند. این خبرنگاران با طرح سؤالاتی مرتبط با اغتشاشات، عملاً تلاش کردند همان کاری را با گفت‌وگوهای خبری اعضای تیم ملی ایران بکنند که رسانه‌های رژیم صهیونیستی یا BBC و اینترنشنال موفق به انجام آن نشده‌اند. این عملکرد نیابتی، شائبه هماهنگی قبلی در زمینه حاشیه‌سازی برای تیم ملی فوتبال ایران از سوی این رسانه‌ها به هر قیمتی را پررنگ می‌کند.

وحشت خبرنگار اسرائیلی از نفرت ایرانی‌ها از رژیم صهیونیستی

» شنیدیم که، خبرنگاران رژیم صهیونیستی که در دوحه به سر می‌برند وضعیت دشواری را سپری می‌کنند و همواره از خشم مسلمانان منطقه نسبت به خود گزارش می‌دهند. صهیونیست‌ها که جام جهانی را در راستای دیپلماسی عمومی و برای بهبود روابط با مردم کشورهای مختلف می‌دیدند از اتفاقات رخ داده شوکه شده‌اند. یکی از این خبرنگاران با بیان اینکه ابتدا فکر می‌کرده فقط دولت‌ها با اسرائیل مشکل دارند اما در قطر متوجه نفرت ملت‌ها شده نوشته است: «اوضاع در حال خطرناک شدن است حتی زنان بی‌حجاب ایرانی هم با ما مصاحبه نمی‌کنند زیرا ما احتمالاً اسرائیلی هستیم، ما دو بار خودمان را روزنامه‌نگاران اکوادوری معرفی کردیم تا وارد درگیری فیزیکی نشویم! ابتدا سعی کردیم خود را اسرائیلی معرفی کنیم، اما برای ما روشن شد که هیچ راهی وجود ندارد که با ما صحبت کنند!»

وی با اشاره به یکی از ایرانیان که با خشم از او می‌پرسد نظرت را در مورد جمهوری اسلامی ایران بگو و خبرنگار اسرائیلی با ترس و استرس فراوان صحنه را ترک می‌کند نوشته است: «کلیپ فیلمبرداری شده توسط یکی از آنها در فضای مجازی منتشر شد و در رسانه‌های عربی ظاهر شد تا نشان دهد اسرائیلی‌ها ترسو هستند و البته ذره‌ای از حقیقت را نشان می‌دهد.»

این خبرنگار رژیم صهیونیستی در خصوص ترس خبرنگاران این رژیم از شادی ایرانی‌ها پس از بازی با ولز می‌نویسد: «استادیوم با صدای طبل و سوت منفجر شد و هزاران ایرانی برای جشن به بیرون رفتند. برای برخی از خبرنگاران اسرائیلی، راهپیمایی عظیم ایرانی‌ها منظره وحشتناکی بود، آنها فقط می‌خواستند پایان یابد تا بتوانند با آرامش به خانه برگردند.»

روایت یک مستندساز از سفر به بوکان و مهاباد

» با خبر شدیم که، مسعود دهنوی در صفحه مجازی خود از سفر به شهرهای استان کردستان خبر داد و اینگونه روایت کرد: «ما دیروز بوکان بودیم و پریروز مهاباد؛ شهر کاملاً آرام و زندگی در جریان است، با ورود نیروی زمینی سپاه تحرکات کومله و دموکرات و پاک و ... کاملاً تمام شده. جالب اینجاست که تمام مسائلی که در فضای مجازی در مورد شهرهای کرد نشین می‌شنوید برای مسئولین شهر اینجا و فرماندهانشون خنده داره. چون اینجا در چند روز قبل جنگ مسلحانه شهری بوده و همگی میدونستن با کی طرفن» این مستندساز همچنین از تجربه حمله به خانه‌های مردم سخن گفت و اظهار داشت: «حالا مردم این شهرها از ترس تهدیدهای این گروهک‌ها بعضاً شب‌ها خونشون نمیمونن و جا به جا میشن. روزانه چندین تماس و پیغام تهدید از حزب برای بعضی مردم میاد؛ چندین خونه بسیجی و طرفدار نظام که اینجا بهشون میگن (جاش) رو در بدترین شرایط آتیش زدن و شکل ترورها و خشونت‌هاشون شبیه دهه شصت هست. متأسفانه هنوز در بوکان مردم از ترس مغازه‌هاشون رو باز نمیکنن» وی همچنین با انتشار تصویری از یک مرزبان کرد، روایت خود را اینگونه خاتمه داد: «این مرد وقتی به ما و دوربین‌مون رسید گفت: شما از تهران اومدید؟ گفتیم آره، از روایت فتح. گفت سلام منو به آقا برسونید، بگید نگران نباشه، ما بسیجی‌های کرد تا آخرین قطره خونمون پای این انقلاب هستیم.»

هک دوربین‌های امنیتی رژیم صهیونیستی توسط هکرهای ایرانی

» دست آخر اینکه، به نوشته روزنامه سکیوریتی اینفورمیشن (Seceurity Information Newspaper)، هکرهای ایرانی توانسته‌اند دوربین‌های نظارتی یک سازمان امنیتی مهم اسرائیلی را در جریان دو انفجار روز چهارشنبه در قدس هک و سپس ویدیوی به دست آمده از یکی از این انفجارها را منتشر کنند. به گزارش ایسنا، مقام‌های امنیتی صهیونیستی نیز تأیید کردند که تصاویر منتشر شده متعلق به دوربین‌های مداربسته این سازمان بوده اما در تلاش برای کوچک جلوه دادن این ماجرا گفتند که هیچ مورد امنیتی نقض نشده است. به نوشته این روزنامه که اخبار سایبری و مرتبط با هک در جهان را منتشر می‌کند، گروه عصای موسی مسئول حمله اخیر به این سازمان اسرائیلی است که روز پنجشنبه فیلم یکی از انفجارهای هفته گذشته در قدس را در کانال تلگرامی خود منتشر و اعلام کرد، دوربین‌های امنیتی را که در ابتدا گمان می‌رفت در اختیار پلیس قرار دارد، هک کرده است. مقامات امنیتی تأیید کردند که دوربین مورد بحث متعلق به یک سازمان امنیتی معتبر است، اما مشخص نکردند کدام سازمان. گروه عصای موسی اوایل سال جاری نیز فیلمی از ده‌ها دوربین مداربسته در سراسر قدس و برخی از دوربین‌های تل‌آویو منتشر کرد. این گروه متهم به سرقت اطلاعات وزارت جنگ اسرائیل و انتشار آنلاین آن در سال گذشته نیز هست. این مطالب حاوی اطلاعات حساس در مورد اعضای نیروهای نظامی اسرائیل بوده است.